

باموزیکولوژی و هدفهای آن آشنا شویم (۳)

## « موزیکولوژی سیستماتیک »

ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موزیکولوژی سیستماتیک - تفکیک دو  
کلمه - تقسیمات سیستماتیک موزیکولوژی

### موزیکولوژی سیستماتیک

وقتی سخن از موزیکولوژی سیستماتیک میان می‌آید ، اغلب اتفاق می‌افتد که بسیاری از مردم و حتی اهل فن این عنوان را بمعانی نادرستی تعبیر میکنند و آنرا با لغات «سیستماتیک» و «متدیک» اشتباه مینمایند. این اشتباه ناشی از آنست که گمان می‌برند موزیکولوژی « غیر سیستماتیک » و « غیر متدیک » نیز وجود دارد . اما باید خاطر نشان کرد که : «سیستم» و «متد»

هر دو در انواع مختلف تحقیقات موزیکولوژی مستتر است و از بدیهیات این علم بشمار میرود .

### تفکیک دو کلمه

کلمات «سیستم» و «متد» امکان دارد که در بسیاری از موارد باهم استعمال شوند و حتی معانی مشابه و مترادف نیز از آنها گرفته شود . ولی تفسیر این لغات در موزیکولوژی وضعی کاملاً خاص و جداگانه دارد و این خود یکی از نکات اصلی و قابل تعمق بحث موزیکولوژیک است .

«موزیکولوژی سیستماتیک» اسمی خاص است و یکی از انواع موزیکولوژی بشمار میرود و بخشی است در ایجاد حد فاصل بین «موسیقی» و «موزیکولوژی» . یا عبارت دیگر بخشی در متمایز کردن «هنر موسیقی» از «علم موسیقی» . در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که : چگونه ممکن است برای تفکیک «موسیقی» و «موزیکولوژی» ازهم که لازم و ملزوم یکدیگرند علمی بوجود آورد .

پاسخ باین سؤال میتواند ما را در درک مفهوم دولغت فوق بیشتریاری کند . به این معنی که : سیستم عبارتست از «نوع» کار، و متد «روش» آن کار است .

پس تفکیک «موسیقی» و «موزیکولوژی» ازهم میتواند با شکل دادن باین دو «نوع» کار در پیشرفت هر یک سهم قابل توجهی داشته باشد . در اینجا تذکر نکاتی چند لازم بنظر میرسد :

موسیقی دان کسی است که مستقیماً با احساسات و روح موسیقی سروکار دارد و نیز میتواند آنرا بکمک فن موسیقی اجراء کند و یا بر صفحه کاغذ آورد . و حال آنکه موزیکولوگ کسی است که بکمک علم موسیقی آنرا تجزیه و تحلیل مینماید و برای اینکار قاعدتاً بمطالعه هنر موسیقی از جهات تاریخی، علمی، فلسفی، ریاضی، مردم شناسی، تطبیقی و غیره نیازمند است . و تنها در این صورت است که میتواند اظهار نظری در مورد هنر موسیقی بکند .

موزیکولوژی سیستماتیک برای تقسیم وظائف موسیقیدان و موزیکولوگ بوجود آمده است و رشته تخصصی هر یک را مشخص میکند تخصص

در موسیقی مستلزم عطف توجه کامل بموسیقی است تا حدی که موسیقیدان بخود اجازه نمیدهد که در بحث و انتقاد علمی موسیقی اظهار نظر کند.

موزیکولوژی سیستماتیک با تفکیک روش اشخاص از یکدیگر در این دورشته، سبب بوجود آمدن انتقاد در موسیقی شد و این مهمترین احتیاجات موسیقیدان بود. زیرا او که تمام هم خود را مصروف بوجود آوردن یا اجرای یک اثر هنری میکرد هرگز نمیتوانست در مورد علم و فلسفه هنر خود اظهار نظر نماید. یا الا اقل نمیتوانست این کار را بصورت کامل و قابل استفاده انجام دهد. زیرا او یا خالق بود یا عامل. او دنیا را از دریچه چشم هنر خود میدید و حال آنکه ناقد موسیقی پارا از این حد فراتر نهاده و هنر او را نیز در قبال موجودیت جهان بررسی میکرد. و باین دلیل است که منقد تنها زمانی بخود اجازه میدهد تا درباره اثر هنرمندی قضاوت کند، که دارای تمام خصوصیات لازمه این قضاوت - که هنرمند فاقد آنست - باشد.

### تقسیمات سیستماتیک موزیکولوژی

موزیکولوژی - که تعریف آن باختصار گذشت - علاوه بر تفکیک « هنر موسیقی » از « علم موسیقی » دامنه کار خود را تا حد تفکیک انواع مختلف موزیکولوژی از یکدیگر وسعت داد و برای تعیین اختلاف سیستمها قدم بزرگی در تحقیق موسیقی برداشت. موزیکولوژی در هر یک از انواع خود شکل مشخص و جداگانه ای بخود گرفت و محققین توانستند که در رشته های مختلف آن تخصص یابند. باین ترتیب بکمک مطالعات عمیق خود در چهار دیواری کوچکتری به پیروزیها و نتایج بزرگتر نائل شدند.

اهمیت تقسیمات سیستماتیک موزیکولوژی در درجه اول در شناسائی هرچه عمیقتر هنر موسیقی است. زیرا از آن پس موزیکولوگ های حرفه ای جای خود را به موزیکولوگ های تخصصی دادند و متخصصین توانستند در رشته های مختلف و در زمینه ای محدودتر مطالعاتی دقیق نمایند و با عطف توجه خود تنها به یک سیستم، به وضع انتقاد و تفهیم موسیقی سروصورت بهتری بدهند و آنرا از تمام جهات ممکن بررسی نمایند.

در مورد رشته های مختلف موزیکولوژی متداول امروز و هدفهای

آنها در بحث‌های گذشته توضیحاتی بنظر خوانندگان رسیده است و ماهیت هر يك - هر چند باختصار - معلوم شد .

در اینجا لازمست تقسیمات کلی موزیکولوژی و سیستم‌های مختلف آنرا روشن کنیم تا ضمناً کمکی نیز در مورد تفهیم موزیکولوژی سیستماتیک کرده باشیم .

### ۱ - موزیکولوژی فلسفی

در موزیکولوژی فلسفی که بعدها بنام « استتیک موسیقی » معروف شد دامنه وسیعتری بوجود آمد . تا حدی که تقریباً از موزیکولوژی جدا شد و بتنهائی شروع به پیشرفت نمود . اما نتایج پر ارزش این پیشرفت همواره مورد استفاده موزیکولوگ ها قرار میگرفت و از آن برای درک زیبایی ظاهری موسیقی و کمک بقدرت انتقاد صاحب نظران کمکهای شایان توجهی گرفته شد .

معنای استتیک از لحاظ موزیکولوژی عبارتست از : استوار بودن هنر موسیقی بر اساس « پسیکولوژی » و « فیزیولوژی روانی » . باین ترتیب هنر استتیک موسیقی نمیتواند دامنه فعالیت خود را به درک « زیبایی موسیقی » محدود نماید بلکه بگفته « کانت » دامنه فعالیت آن باید تا تحقیقات درباره « انتقاد قدرت قضاوت » که رکن اساسی استتیک موسیقی است ، توسعه یابد .

### ۲ - موزیکولوژی علوم طبیعی

این رشته در موزیکولوژی « آکوستیک موسیقی » خوانده میشود که خود جزئی از « آکوستیک عمومی » است . پایه و اساس « آکوستیک موسیقی » صوت و پدیده های آن است . باین معنا که تحقیق درباره تمام اصواتیکه دارای فرم ارتعاش مساوی باشند و بعد معینی از ارتعاشات را مشخص نمایند مشمول بحث « آکوستیک موسیقی » گردیده است .<sup>۱</sup>  
آکوستیک موسیقی علاوه بر فعالیت همه جانبه در مورد فیزیولوژی صوت شامل قسمتهای ذیل نیز میباشد :

۱ - برای اطلاعات بیشتر به مقالات آقای دکتر برکشلی که در دوره سوم مجله موسیقی چاپ شده است ، مراجعه شود .

الف - پسیکولوژی صوت . این رشته در زمینه تأثیر اصوات در انسان و تشخیص نوع این تأثیرات تحقیق مینماید و دارای رابطه مستقیمی با رشته فیزیولوژی اعصاب ( مطالعات مربوط به ساختمان فیزیولوژی گوش ) است اما این بحث هیچگاه اساس کار قرار نمیگیرد .

ب - تکنولوژی موسیقی . که شامل قسمتهای زیر است : ۱- موسیقی الکتریکی ( که عبارت از بوجود آوردن اصوات بطریق الکتروآکوستیک است ) ۲- رادیو ( که عبارتست از دستگاهی که در بحث موزیکولوژی بعنوان دستگاه پخش موسیقی و گفتار برای عموم تشریح شده است و در طرق کار آن تحقیق میشود )

۳ - فیلم ( و آن عبارت است از قسمتهای مربوط به موسیقی و گفتار در فیلم و طرق ضبط و پخش آن )

۴ - ساختمان سازهای موسیقی

### ۳ - موزیکولوژی مردم شناسی و موزیکولوژی تطبیقی

در باره این دورشته نظریات مختلفی اظهار میشود که در بسیاری موارد بواسطه عدم اطلاع کافی از ماهیت آنها و ارتباط کار آنها با یکدیگر مقرون بحقیقت نیست . از آنجا که این دو بحث رل بسیار مهمی را در موزیکولوژی عمومی ایفاء مینماید سعی میشود در مقاله دیگری مفصلا از آنها صحبت کنیم .

### ۴ - موزیکولوژی معرفت‌الروحی و مطالعات فرهنگی

این قسمت که در مکتب موزیکولوژی فعلی آلمان « موزیکولوژی تاریخی » نامیده میشود شامل تاریخ موسیقی مغرب زمین است . در موزیکولوژی تاریخی پیدایش و تحول موسیقی در مغرب زمین و همچنین شرح حال موسیقیدان ها و تجزیه و تحلیل آثار آنان مورد بحث قرار میگیرد و در آن مطالعه درباره سبکهای مختلف موسیقی و خصوصیات آن در اعصار مختلف و پیشرفت و سیر آن در ممالک دنیای غرب صورت میگیرد .

موزیکولوژی تاریخی میتواند برای تکامل کار خویش از تاریخ موسیقی ممالک غیر غربی نیز کمک بگیرد و تا حدود معینی از آن استفاده نماید .

موزیکولوژی در ابتدا بسیار نامحدود بود و شامل تمام قسمت های

تحقیقی مربوط به موسیقی میشد و در حقیقت مجموعه‌ای از انواع رشته‌های علمی مربوط به موزیکولوژی و موسیقی عملی - که تفکیک آنها از یکدیگر امکان نداشت - بشمار میرفت بهمین جهت موزیکولوژی بمعنای واحد کلمه وجود نداشت و نویسندگان و محققین موسیقی همان موسیقیدانان «حرفه‌ای» بودند که گاه بمناسباتی کتاب یا رساله‌ای درباره یکی از انواع مختلف موسیقی مینگاشتند و از آنجا که اطلاعات موسیقیدانان مزبور بیشتر در یک رشته علمی (رشته تخصصی خود) بود، راجع به موسیقی غیر اروپائی کمتر کتابی برشته نگارش درمی‌آمد و آنچه موجود بود بیشتر صورت فانتزی داشت و فاقد ارزش صد درصد علمی بود و نیز گاهی جهانگردانی که هوس نوشتن کتابی میکردند، در نوشته خود از موسیقی سخن میگفتند و چون هدف این نویسندگان بیشتر کسب شهرت بود کتابهای خویش را بخاطر جاب توجه بیشتر با اسامی عجیبی نامگذاری میکردند. از قبیل: «موسیقی در سرزمین آدمخواران» و «موسیقی در سرزمین شکارچیان کله انسان».

کتابهای نویسندگان بواسطه عدم تخصص و آشنائی با طرق علمی تحقیقی، فاقد متد نیز بود. البته با توجه به امکانات زمان و جوانب مختلف کار نباید نوشته‌های آنانرا مورد حمله قرار داد. زیرا در آن زمان تحقیق «متدیك» و تقسیمات «سیستماتيك» شکل مشخصی بخود نگرفته بود و فکر تقسیم بندی کار و تفکیک سیستم‌های مختلف از یکدیگر و بخصوص جدا کردن میدان عمل «موسیقی هنری» از «علم موسیقی»، در اواخر قرن اخیر بوجود آمده است. تا ریح تمدن موسیقی خدمتی را که موزیکولوژی سیستماتيك در راه اعتلاء و بسط تحقیقات موسیقی انجام داد نادیده نگرفت.

دکتر خاچی